

امکان سنجی فسخ نکاح در برابر سرد مزاجی مردان: رویکردی مبتنی بر قاعده‌ی لاضرر

زینب احمدی^۱

علیرضا صابریان^۲

چکیده

این پژوهش به بررسی حق زن در فسخ نکاح در موارد سرد مزاجی شوهر می‌پردازد. نکاح به عنوان یک قرارداد دو جانبه، حقوق و تکالیفی را برای هر دو طرف ایجاد می‌کند؛ از جمله برآوردن نیازهای جنسی زن توسط شوهر. بررسی‌ها نشان می‌دهند که سردمزاجی شوهر می‌تواند تحت شرایط خاص، منجر به ایجاد چالش‌های روانی و جسمی برای زن گردد و او را به فکر جستجوی راه‌حلی برای خروج از این وضعیت بیندازد. روش پژوهش شامل تحلیل‌های کتابخانه‌ای و توصیفی-تحلیلی است که حق زن در فسخ نکاح را در صورت بروز مشکل سردمزاجی اثبات می‌کند. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که حکم فسخ نکاح ارتباطی به عیوب مصرّح در فقه ندارد و با توجه به غیرحصری بودن عیوب، می‌توان حکم فسخ نکاح بر اساس سردمزاجی شوهر را صادر کرد. همچنین، تحمّل این شرایط برای زوج می‌تواند موجب ضرر مادی و معنوی گردد. بر این اساس، بر مبنای اصل لاضرر، صدور حکم فسخ نکاح در این موارد به عنوان یک اقدام موجه و ضروری شناسایی می‌شود. این پژوهش می‌تواند راهکارهای قانونی و عملی مؤثری را برای حمایت از حقوق زنان در شرایط سردمزاجی شوهر ارائه دهد.

واژگان کلیدی: امکان سنجی، فسخ نکاح، سرد مزاجی مردان، اختلال جنسی، قاعده‌ی لاضرر

۱. طلبه‌ی سطح چهارم رشته‌ی فقه خانواده، مدرسه‌ی علمیه‌ی تخصصی فاطمة الزهراء سلام الله علیها، سمنان. (نویسنده‌ی مسئول)
۲. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سمنان.
* تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۴/۳۰ * تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۲۹



۱. مقدمه

ازدواج به‌عنوان نهادی مقدس و اساسی در ساختار خانواده و جامعه، تأمین‌کننده نیازهای اساسی انسان، از جمله نیاز جنسی مشروع، است. با این حال، تغییرات سبک زندگی و تحولات اجتماعی معاصر، چالش‌هایی را در روابط زوجین ایجاد کرده است. یکی از این چالش‌ها، سردمزاجی یکی از طرفین، به‌خصوص زوج، است که می‌تواند عواقب روحی، روانی و جسمی جدی برای زوج به همراه داشته باشد. زن به سبب لطافت روح و حساسیت‌های روانی‌اش، و نیز به دلیل ساختار جسمانی ظریف‌تر، در مقایسه با مردان در برابر برخی بیماری‌ها آسیب‌پذیرتر است. بنابراین، فقدان رابطه‌ی جنسی متعارف می‌تواند ضربات روحی و جسمی شدیدی را بر او وارد کند. به‌ویژه وقتی که زوجین از نظر مزاج جنسی نامتجانس باشند: اگر هر دو سردمزاج باشند مشکل کمتر است، اما در صورت گرم‌مزاجی زوج و سردمزاجی زوج، پیامدهای منفی جدی پدید می‌آید و در صورت عدم درمان ممکن است به بیماری‌های صعب‌العلاج تبدیل شود. با توجه به اینکه حق طلاق در اختیار مرد است مگر مواردی که قبلاً بر حق طلاق توافق شده باشد و ممکن است او تمایلی به جدایی نداشته باشد، این وضعیت می‌تواند برای زن مخاطرات و ضررهای جسمی و روانی بلندمدتی را به همراه داشته باشد و او را نیز در عسر و حرج قرار دهد. در چنین شرایطی، فسخ نکاح به‌عنوان یکی از راه‌های انحلال ازدواج و با استناد به قاعده‌ی «لاضرر و لا حرج» می‌تواند راهی مشروع برای رهایی زوج از وضعیت زیان‌بار و مطالبه‌ی حمایت پزشکی، مشاوره‌ای و قانونی تلقی شود. و نیازمند توجه پزشکی و مشاوره‌ای فوری و حمایت قانونی است.

در حالی که زوج حق طلاق را داراست، زوج تنها در صورت وجود عیوب مصرّح در فقه، حق فسخ دارد و فاقد حق طلاق است. با ظهور بیماری‌های جدید در عصر حاضر، این پرسش اساسی مطرح می‌شود که آیا حق فسخ برای زوج در مورد بیماری سردمزاجی شوهر نیز وجود دارد یا خیر؟ بررسی این موضوع ضرورت می‌یابد، زیرا تاکنون مطالعه جامعی با این مضمون انجام نشده است. اگرچه محققانی همچون ادیانی (۱۳۹۷)، میرداداشی (۱۳۹۲) و نادری (۱۳۹۷) به بررسی



عیوب مصرّح در فسخ نکاح و همچنین بحث حصری یا تمثیلی بودن عیوب و بیماری‌های نوظهور و صعب‌العلاج پرداخته‌اند، اما هیچ‌یک به‌طور خاص به بیماری سردمزاجی به‌عنوان زمینه‌ای برای فسخ نکاح نپرداخته‌اند. لذا، این تحقیق با تمرکز بر سردمزاجی زوج به‌عنوان یک بیماری نوظهور، به بررسی امکان‌سنجی فسخ نکاح از منظر حقوقی برای زوجه و نوآوری در این حوزه می‌پردازد.

۲. سردمزاجی جنسی در مردان و تأثیرات آن بر روابط زناشویی

سردمزاجی مردان در زبان انگلیسی معادل Erectile dysfunction است که به اختصار آن را ED می‌نامند سردمزاجی مردان نوعی اختلال نسبتاً شایع است که عملکرد جنسی آقایان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بررسی‌ها نشان داده‌اند، تنها در ایالات متحده آمریکا چیزی در حدود ۳۰ میلیون نفر از مردان دچار این عارضه هستند. (مجله‌ی سلامتی پذیرش، ۲۳/۱۲/۱۴۰۰)

ویژگی بنیادی اختلال کاهش میل جنسی، کمبود یا فقدان خیال‌پردازی‌ها و تمایلات جنسی نسبت به فعالیت‌های جنسی است. برای آن‌که این پدیده به‌عنوان اختلال شناخته شود، باید شدت و تداوم آن به‌گونه‌ای باشد که فرد را دچار پریشانی بالینی یا مشکلات قابل‌توجه بین‌فردی نماید و همچنین نتوان آن را بهتر با وجود یک کژکاری جنسی دیگر توجیه کرد. ضروری است که نشانه‌ها صرفاً معلول عوامل فیزیولوژیک نظیر مصرف مواد یا دارودرمانی و یا بیماری جسمانی نباشند. (گل‌داری، ص ۱۱، ۱۳۹۱)

کاهش میل جنسی می‌تواند به‌صورت فراگیر و شامل تمامی اشکال بروز جنسی تظاهر کند یا به‌صورت موقعیتی محدود به یک شریک یا نوع خاصی از رفتار جنسی باشد؛ برای نمونه، فرد ممکن است نسبت به مقاربت جنسی بی‌میل باشد اما نسبت به فعالیت‌های خودارضایی تفاوتی نشان ندهد. در شرایطی که فرصت‌های ابراز جنسی محدود یا غایب باشند، انگیزه‌ی فرد برای جست‌وجوی محرک‌های جنسی کاهش می‌یابد و احساس ناکامی جنسی نیز کمتر تجربه می‌شود. معمولاً افراد مبتلا آغازگر فعالیت جنسی نیستند. و در صورت آغاز رابطه‌ی جنسی، میل جنسی پایینی



از خود نشان می‌دهند (تحریریه‌ی مجله‌ی دکتر تو، یزدان شناس، ۱۴۰۳) و در بسیاری موارد تنها در پاسخ به تقاضای شریک و با تمایل اندک یا اکراه در فعالیت مشارکت می‌کنند. در مردان، این اختلال نسبتاً شایع است و می‌تواند پیامدهای جدّی برای فرد و شریک زندگی‌اش داشته باشد، از جمله فشار روحی، شک و احساس گناه. (مسعودی فر، ۱۴۰۳)

از منظر بالینی، ارزیابی دقیق تاریخچه‌ی جنسی، مدّت زمان شروع و سیر علائم، زمینه‌های روانی - اجتماعی و بررسی علل طّبی یا دارویی بالقوه، برای تمییز این اختلال از دیگر ناهنجاری‌های جنسی و تعیین طرح درمانی مناسب ضروری است. سرد مزاجی به دو گونه است، حالت اول در ابتدای شروع زندگی مشترک می‌باشد و حالت بعدی به مرور پس از گذشت مدتی از زندگی مشترک به وجود می‌آید؛ که با شدّت‌های مختلف ظهور می‌کند. برای مثال در حالت شدید ممکن است عدم تمایل ماه‌ها به طول بیانجامد.

این عارضه در آقایان زودتر مشخص می‌شود. از عوامل تاثیر گذار بر این مسئله در مردان می‌توان به درگیری فکری و شغل، مسائل روانی، مشکلات عاطفی اشاره نمود. از مهم‌ترین عوامل تاثیرگذار می‌توان کاهش هورمون‌های مردانه را نام برد که با توجه به تغییرات سن دچار نوسان می‌شود. همچنین استفاده از داروهای اعصاب نیز می‌تواند در این زمینه تاثیرگذار باشد.

این اختلال ارتباط مستقیم با سلامت روانی فردی و خانوادگی دارد و می‌تواند زندگی زناشویی را به‌طور قابل توجهی تحت تاثیر قرار دهد.

با توجه به موقعیت و زمان ایجاد این بیماری سه نوع اختلال بی میلی جنسی شکل می‌گیرد:

۱- اختلال بی میلی جنسی اولیه: در این نوع از اختلال، کمبود میل جنسی از زمان فعال شدن فرد از لحاظ جنسی وجود داشته است .

۲- اختلال بی میلی جنسی اکتسابی (ثانویه): در این نوع از اختلال، کمبود میل جنسی بعد از یک دوره فعالیت جنسی عادی، شروع می‌شود.

۳- اختلال کمبود میلی جنسی تعمیم یافته: در این نوع از اختلال، بی میلی



جنسی صرفاً به بعضی از موقعیت‌ها یا همسر خود محدود نمی‌شود و در همه‌ی موارد، فرد بی میل است. (میرزایی، ۲۱ اسفند ۱۴۰۳)

آنچه محور بحث در این مقاله می‌باشد قسم دوم و سوم از این اختلال بی میلی جنسی است.

اختلال کم میلی جنسی اکتسابی در مردان، به کاهش قابل توجه و پایدار در میل جنسی اشاره دارد که پس از دوره‌ای با میل جنسی طبیعی بروز می‌کند. شدت این اختلال متغیر است، از خفیف تا شدید (با عدم تمایل به رابطه‌ی جنسی برای ماه‌ها)، و می‌تواند منجر به تنفر از رابطه‌ی جنسی با همسر شود. در موارد خفیف تا متوسط، ممکن است زندگی زناشویی به طور قابل توجهی تحت تأثیر قرار نگیرد، اما در موارد شدید، فقدان تمایل جنسی و تنفر از همسر، مشکلات جدی در زندگی زناشویی ایجاد می‌کند و برای زن دشوار خواهد بود.

۳. سرد مزاجی: قابل درمان یا غیر قابل درمان؟

سرد مزاجی گاه با تغییر سبک زندگی، مصرف برخی داروها یا خوراکی‌های گرم‌کننده قابل درمان است و موجبات فسخ نکاح را فراهم نمی‌آورد اما چنانچه درمان طولانی باشد یا امیدی به بهبودی نباشد، در صورت عدم برقراری رابطه‌ی جنسی به مدّت طولانی، زن موجب ضرر و زیان شده و بر اساس منابع فقهی (زنجانی، ۱۴۱۹، ج ۵: ص ۱۴۲۸ و ۱۴۲۰)، ترک مباشرت در این شرایط جایز نیست این امر به ویژه در شرایطی که زن حق طلاق نداشته و راهی جز نزدیکی با همسرش برای ارضای نیاز جنسی خود ندارد، می‌تواند مصداق بارز اضرار و حرج باشد. (زنجانی، ۱۴۱۹، ج ۵: ص ۱۴۲۰)

همچنین، بر اساس قاعدی فقهی «و لا تعاونوا علی الاثم» (نراقی، ۱۴۱۷، ص ۷۵) و قاعده‌ی تسبیب (یزدی، سید مصطفی محقق داماد، ۱۴۰۶، ج ۲، ص: ۲۳۷)، ترک مباشرت حرام است، چرا که بر اثر ترک مباشرت زمینه‌ی گناه زنا برای همسر فراهم می‌شود و نوعی کمک به انجام گناه کبیره به شمار آمده و در صورت ارتکاب زنا توسط زن باید یکی از مناشی مهم ارتکاب این عمل شنیع را سرد مزاجی مرد دانست چراکه



اگر وی سرد مزاج نبود زن هم مرتکب این گناه نمی‌شد.

توضیح اینکه برخی از افعال مکلفین با یکدیگر مرتبط هستند و قوام ظلم ظالمین و معصیت عاصین به وسیله اسباب و اموری است که جز با افعال مکلفین محقق نمی‌گردد هر چند معاون قصد اعانت نداشته باشد. (مراغی، ۱۴۱۷ ه. ق، ج ۱، ص: ۵۶۵) البته در خصوص شرط قصد معاونت، در صدق اعانه‌ی به اثم بین علما و فقها اختلاف نظر وجود دارد بعضی از فقها از جمله شیخ انصاری قائل به شرطیت قصد می‌باشند و معتقدند در صورت عدم قصد، اعانه شکل نمی‌گیرد و گروهی دیگر قصد را ملاک نمی‌دانند (بجنوردی، ۱۴۱۹ ه. ق، ج ۱، ص: ۳۶۸)

زیرا اعانه عبارت است از مهیا کردن مقدمات کار حرام هرچند در خارج اتفاق نیفتد بنابراین صدق عنوان اعانه منحصر به قصد نیست (مراغی، ۱۴۱۷ ه. ق، ج ۱، ص: ۵۶۸) و اعانه‌ی بر اثم در صورت کمک رساندن به عاصی در انجام آن گناه به ایجاد تمام یا بعضی از مقدمات حرامی که می‌خواهد گناه‌کار انجامش دهد شکل می‌گیرد. نتیجه اینکه در خصوص سرد مزاجی حکم حرمت اعانه بر اثم صدق می‌کند هرچند زوج قصد اعانه نداشته باشد و ترک مباشرت مقدمه‌ای است بر انجام عمل شنیع زنا که از جمله محرّمات بزرگ الهی است.

ادله‌ی حرمت اعانه و کمک بر انجام گناه و ظلم، قول خداوند متعال «وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ» (مانده، آیه ۲) است و علاوه بر آن روایات مستفیضه و عقل مستقل و اجماع هم بر حرمت دلالت می‌کنند، ولی با وجود آیه و سایر دلایل «روایات و عقل» اجماع، فاقد اعتبار است. قهراً این اجماع مدرکی است و اجماع مدرکی دلیل مستقلی نمی‌باشد. (بجنوردی، ۱۴۰۱ ه. ق، ج ۲، صص: ۲۳۷-۲۳۲)

ملاک تعیین حداقل نزدیکی، رفع ضرر زوجه است، در جایی که زن در معرض گناه قرار می‌گیرد - چه بسا زنانی که با وجود سرد مزاجی همسر دچار مشکل حادی نشده و در معرض گناه هم قرار نمی‌گیرند و با حیا و خویشترن داری مرتکب عمل شنیع زنا هم نمی‌شوند- و این ملاک باید به صورت موردی و با توجه به شرایط خاص هر زوج، از جمله میزان تمایل جنسی زوجه و عواقب عدم ارضای این تمایل، بررسی شود. بنابراین، تعیین یک مدت زمان ثابت برای نزدیکی زناشویی نمی‌تواند



برای همه مواقع و زوجین مناسب باشد. (زنجان، ۱۴۱۹، ج ۵، ص ۱۴۸۳)
 به عبارت دیگر، هرچند نظر مشهور بر حداقل چهار ماه است، اما در صورت بروز ضرر شخصی برای زوجه، شوهر موظف به توجه به نیاز همسرش و رفع ضرر او است.

بنابراین اگر زنی کمتر از چهار ماه (حداقل زمان نزدیکی بر اساس نظر مشهور فقها) نیاز به رابطه‌ی جنسی با شوهرش داشته باشد و تحمّل مدت چهارماهه برای او به دلیل احتمال وقوع گناه، موجب عسر و حرج شود، شوهر مکلف به پاسخگویی به نیاز اوست. (یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۵: ۵۰۸؛ مرعشی نجفی، ۱۴۰۶ق، ج ۲: ۲۰۸)

روایت صفوان بن یحیی مبنی بر چهار ماه عدم نزدیکی، اگرچه حجیت دارد، اما با توجه به تحولات اجتماعی و سبک زندگی امروزی و تنوع شرایط زوجین، می‌توان گفت به تنهایی برای تعیین مدت مجاز عدم نزدیکی کافی نیست.

این روایت، به ویژه با آیه‌ی شریفه‌ی «عاشروهنّ بالمعروف» (نساء: ۱۹) که بر حسن معاشرت زناشویی تأکید دارد، و نیز با حق طبیعی هر فرد به ارضای نیاز جنسی، ممکن است در تعارض باشد. فقها نیز عدم نزدیکی بیش از چهار ماه را تنها در صورتی مجاز می‌دانند که زن در معرض گناه قرار نگیرد؛ در غیراین صورت، کاهش این مدت ضروری است.

در صورتی که سرد مزاجی زوج قابل درمان نباشد و وی از درمان خودداری کند، زوجه متحمل عسر و حرج شده و حق او ضایع می‌شود. اما در صورت رضایت زوجه به ادامه زندگی با وجود این مشکل، حق فسخ نکاح ساقط می‌گردد؛ مشابه مورد عنن که در صورت رضایت زن، حق فسخ وی از بین می‌رود. (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۳۰: ص ۳۲۶؛ شیخ مفید، ۱۴۱۳ق: ص ۴۱)

۴. ادله‌ی اثبات فسخ نکاح در موارد غیرمنصوص (بیماری سرد

مزاجی غیرقابل درمان زوج)

یکی از اهداف اساسی ازدواج تأمین نیاز جنسی آنهاست و تأمین نیاز جنسی نه تنها از اهداف شخصی زوجین در ازدواج است بلکه یکی از اغراض اصلی شارع



مقدس در ترغیب به ازدواج است تا زوجین تأمین شوند به فحشاء و منکرات کشیده نشوند.

اینکه گفته شود «مرد در تأمین نیاز جنسی تامّ الاختیار است و زن هیچ گونه حقی از این ناحیه ندارد» با مذاق شارع حکیم که بر اساس عدالت قوانین و احکام شرعی را جعل فرموده و به انسانها اجازه نمی‌دهد که به دیگران ضرر بزنند یا دیگران را در حرج قرار بدهند، سازگار نیست، بنابراین باید شارع مقدس قانونی وضع کرده باشد تا از ایجاد ضرر و حرج توسط زوج پیشگیری نماید که یکی از این قوانین می‌تواند فسخ نکاح در این گونه موارد باشد. همانطور که در بحث عنن نیز خداوند متعال حق فسخ را تشریح فرموده است.

فسخ نکاح یکی از راه‌های پایان دادن به زندگی مشترک در مواردی است که ادامه‌ی زندگی برای یکی از طرفین غیرقابل تحمّل شود. در ادامه، به بررسی ادله و شرایط اثبات امکان فسخ نکاح در بیماری سرد مزاجی غیرقابل درمان یا درمان طولانی مدت زوج، با تمرکز بر مبانی فقهی آن، خواهیم پرداخت.

۱-۴. نقش تمثیل در تعیین عیوب مُجاز به فسخ نکاح

بحث پیرامون اختلالات جنسی در فقه اسلامی، عمدتاً در ابواب نکاح و طلاق و به ویژه در بحث عیوب مجوز فسخ نکاح مطرح می‌شود. اکثریت قریب به اتفاق فقها، بر حصر عیوب مجوز فسخ نکاح نظر دارند. این حصر به معنای محدود بودن عیوب به موارد مشخصی است که در منابع فقهی ذکر شده‌اند. به عنوان مثال، می‌توان به آرای فقهای برجسته‌ای مانند علامه‌ی حلی (۱۴۱۳ق، ج ۷، ص ۱۹۴)، نجفی (۱۴۰۴ق، ج ۳۰، ص ۳۳۵) و سبزواری (۱۴۱۳ق، ج ۲۵، ص ۱۲۳) اشاره کرد که همگی بر این نظر تأکید دارند.

فقها برای اثبات نظر خود مبنی بر حصر عیوب، به چند دلیل استناد می‌کنند: روایاتی با آغاز «إنما»: برخی روایات با کلمه «إنما» آغاز می‌شوند که از نظر لغوی و نحوی دلالت بر حصر و محدودیت دارند (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص ۲۱۰). این روایات، تنها به برخی عیوب خاص اشاره می‌کنند و این امر نشان از عدم شمول



عیوب دیگر دارد.

عبارت «ما سوی ذلک»: در برخی منابع فقهی، از عبارت «ما سوی ذلک» استفاده شده است. (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۴۲۵) این عبارت به معنای «غیر از این موارد» است و دلالت بر محدود بودن عیوب مجوزفسخ نکاح به موارد ذکر شده در متن دارد. به عبارت دیگر، آنچه خارج از موارد منصوص است، جزء عیوب مجوز فسخ نکاح شمرده نمی‌شود.

مبنای فقهی حصر عیوب به مورد نص آن است که اصل در عقد نکاح لزوم است و از این اصل، در صورتی می‌توان دست کشید که دلیل معتبری در دست باشد لذاست که اکتفا به مورد نص شده است. مرحوم سبزواری (۱۴۱۳ق، ج ۲۵: ص ۱۲۱ و ۱۱۲) با استناد به اصل لزوم در نکاح و اجماع فقها، بر حصر عیوب مجوز فسخ نکاح در موارد منصوص تأکید می‌کند قانون مدنی جمهوری ایران هم با تاسی از نظریه مشهور فقهی عیوب موجب فسخ را احصا کرده است.

در نقد این نظریه می‌توان گفت درست است که اصل اولی، لزوم عقد نکاح است ولی این طور نیست که تنها با نصّ از آن صرف نظر شود؛ اگر دلیل قابل اعتمادی غیر از نص بر خروج از اصل وجود داشته باشد می‌توان به آن ترتیب اثر داد. بر این اساس این جمله را که «اصل لزوم عقد است مگر نصّی بر خلاف آن باشد» قابل تصحیح به این گزاره است: «اصل لزوم عقد است مگر این که دلیل معتبر عقلی و شرعی که شارع آن را امضا کرده باشد بر خلاف آن باشد.» (هدایت نیا، ۱۳۹۹، صص ۱۷۷-۱۷۹)

در مورد اجماع باید گفت تحقق اجماع مورد تردید است و بر فرض احراز، این اجماع مدرکی است و مدرک آن نصوص موجود است از این رو اصالت با خود نصوص است و اجماع دلیل مستقلی نخواهد بود.

در مقابل، برخی فقهای متأخر مانند شهید ثانی (۱۴۱۳ق، ج ۸: ص ۱۱۰) و طرابلسی (۱۴۰۶ق، ج ۲: ص ۲۳۱) و برخی فقهای معاصر، با توسل به قاعده‌ی لاضرر و روایاتی همچون روایت حسن بن صالح از امام صادق (علیه السلام) (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱: ص ۲۰۸)، بر تمثیلی بودن عیوب و شمول آن به موارد مشابه عیوب منصوص اشاره می‌کنند. اما عده‌ای از فقها از جمله صاحب جواهر و صاحب ریاض از استدلال



شهید ثانی که از بیماری جذام حق فسخ را برای همه عیوب پر خطر قائل شده بود انتقاد کرده‌اند.

صاحب ریاض می‌نویسد: «راه خلاص زن از زوجیت ضرری خیار فسخ نیست بلکه وی می‌تواند به حاکم رجوع نماید و حاکم شوهر را به طلاق مجبور نماید.» (حائری، ۱۴۱۸ ه. ق، ج ۱۱، ص ۴۵۲) همین نقد را شیخ انصاری نیز ذکر کرده است. (دزفولی، ۱۴۱۵ ه. ق، ص ۴۳۴)

این اشکال نیز قانع کننده به نظر نمی‌رسد زیرا طلاق و فسخ در انحلال نکاح مشترک‌اند ولی میان این دو تفاوت‌هایی وجود دارد که با ملاحظه آن‌ها فسخ به حال زوجه مفیدتر است. اجرای لفظی صیغه‌ی طلاق، حضور دو شاهد عادل مرد در زمان صیغه‌ی طلاق و عدم صحّت طلاق در حالت قاعدگی یا نفاس زن از جمله شروط فقهی طلاق است در حالی که فسخ نکاح این شروط را ندارد.

از نظر حقوقی نیز برای طلاق مراجعه به دادگاه تعیین حکمین و صدور گواهی عدم امکان سازش ضروری است اما رعایت این امور در فسخ نکاح لازم نیست از طرفی در اوضاع کنونی اثبات ضرر یا حرج برای زوجه در دادگاه آسان نیست و نفی حق فسخ زوجه و حصر راه تخلص وی به طلاق قضائی مستلزم تحمیل حرج یا ضرر به وی خواهد بود و منطقی نیست که راه خلاصی از یک مشکل عبور از مشکلات دیگر باشد.

اشکالی که صاحب جواهر بر شهید ثانی وارد می‌کند این است «اگر سرایت بیماری معیار فسخ قرار گیرد لازمه‌اش آن است که در تمام بیماری‌های مسری قائل به حق فسخ شویم در حالی که شما چنین نمی‌گویید» (نجفی، ۱۴۰۴ ه. ق، ج ۳۰، ص ۳۳۰) این نقد قابل دفع است و در پاسخ می‌توان گفت هر چند حق فسخ در هر نوع بیماری مسری پذیرفتنی نیست لکن سخن ما فقط در مورد عیوبی است که با وجود آن، کارکرد عقد ازدواج برای زوجین از بین می‌رود. زیرا سرد مزاجی در ابتدای شروع زندگی که زوجین هنوز صاحب فرزند نشده‌اند از جمله عیوبی است که مخّل کارکرد ازدواج است و تولید مثل و بقای نسل که از اهداف اصلی نکاح می‌باشد را به خطر می‌اندازد. در عوض رابطه‌ی جنسی سالم و متعارف، برای زوجه دارای فواید متعدّدی



از جمله تقویت بنیان خانواده، ایجاد مهر و محبت، تحقق هدف اصلی ازدواج (تولید مثل و بقای نسل) و جلوگیری از گناه است. از سوی دیگر فقدان رابطه‌ی زناشویی سالم، مشکلات جدی را فراهم می‌سازد این مشکلات شامل از بین رفتن مهر و محبت زناشویی، ناتوانی در بچه‌دار شدن، و در نهایت، خطر ارتکاب به گناه زنا به دلیل طولانی شدن این وضعیت و عدم توانایی زوج در فسخ نکاح است. (هدایت نیا، ۱۳۹۹ش: ص ۲۲۷) این آسیب‌ها، با توجه به عدم توازن حقوقی زن و مرد در طلاق و فسخ، و با عنایت به قاعده‌ی لاضرر، زمینه را برای توسعه‌ی مفهوم فسخ نکاح فراتر از موارد صریح فقهی فراهم می‌آورد.

از این رو حصر عیوب مجوز فسخ نکاح در موارد منصوص، با توجه به ظهور بیماری‌های جدید و تغییر سبک زندگی، قابل تردید است. سرد مزاجی که با تغییر سبک زندگی و تغییر مواد غذایی در جامعه‌ی امروزی به وجود آمده از مشکلات اساسی زوجین در عصر امروز است و در زمان گذشته به جهت سبک زندگی سالمی که وجود داشت، زوجین کمتری با این مشکل روبرو بودند.

عدم شمول حصر، به‌ویژه با ملاحظه قاعده لاضرر و ضررهای روحی، روانی، و جسمی ناشی از بیماری‌هایی مانند سردمزاجی (که عارضه‌ای غیرمنصوص است و منجر به افسردگی، زنا، و سایر مشکلات می‌شود)، مستلزم اتخاذ رویکردی تمثیلی در تفسیر عیوب مذکور در روایات می‌باشد. زیرا عیوب منصوص در زمان نزول، شایع‌تر بودند و قاعده‌ی حصر را نمی‌توان به تمام اعصار تعمیم داد.

۲-۴. وحدت ملاک و اثبات فسخ نکاح

ملاک حکم فسخ در عیوب منصوص یعنی ضرر و حرج عیناً در بعضی مصادیق اختلال‌های جنسی نیز وجود دارد و حتی در بعضی از آن بیشتر است. بعضی از فقهای عظام در تمسک به وحدت ملاک یا قیاس اولویت برای اثبات خیار فسخ در عیوب جدید اشاره می‌کنند علامه‌ی حلی (حلی، ۱۴۱۳ ه. ق، ج ۷، ص ۱۹۶) با اشاره به رأی ابن براج که بیماری برص و جذام را جزء بیماری‌های مشترک زوجین به شمار آورده و برای هر دو به صورت متقابل، حق فسخ قائل شده است این طور استدلال



می آورد: «وقتی این بیماریها در زن عیب است در مرد به طریق اولی عیب است چرا که مرد از حق طلاق برخوردار است و زن راهی برای خلاصی غیر از فسخ ندارد.» بعضی فقهای معاصر نیز همین نظر را دارند به این بیان که این عیوبی که ذکر شد جنبه‌ی تعبدی نداشته بلکه اجمالاً معلوم است که ملاک چیست از طرف دیگر فرض کردیم که اولویتی در کار است، یعنی عیوبی داریم که از عیوب منصوصه اشد است با قیاس اولویت حصر احادیث را شکسته و این عیوب را داخل می‌دانیم» (شیرازی، ۱۴۲۴ه ق، ج ۵، ص ۱۲۲)

از دیگر عیوبی که می‌توان از آن با وحدت ملاک به حکم فسخ برای بیماری‌های جدید رسید بیماری «عنن» می‌باشد. در مورد بیماری «عنن» که از جمله عیوب موجب فسخ نکاح می‌باشد لغت شناسان در تعریف آن فقدان میل جنسی را داخل کرده‌اند اما فقها در تعریف عنن، به فقدان توانایی مباشرت اکتفا کرده و شرط فقدان میل جنسی را صراحتاً ذکر نمی‌کنند. آنها عنین را کسی می‌دانند که میل و شهوت جنسی برای نزدیکی ندارد و قادر به جماع نیست. (فیومی، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۳۳)

با توجه به این تعاریف و با استفاده از روش وحدت ملاک، می‌توان موارد مشابهی از اختلالات جنسی مرد را که به دلیل عوارض و بیماری‌های مختلف ایجاد شده است، مشابه عنن دانسته و فسخ نکاح را در آن‌ها نیز جایز شمرد.

فرد مبتلا به سردمزاجی نیز میل جنسی خود را از دست داده و قادر به جماع نیست. از لحاظ عملکردی، هم عنین و هم فرد سردمزاج، نمی‌توانند جماع کنند و مباشرتی بین آنها و همسرشان صورت نمی‌گیرد. در هر دو حالت، عدم تمایل جنسی یکی از علل عدم مباشرت است. بنابراین، زوجه در چنین مواردی دچار عسر و حرج می‌شود.

با استفاده از روش وحدت ملاک (عدم تمایل جنسی) در عنن که موجب فسخ نکاح است، می‌توان قائل به حق فسخ نکاح برای زوجه در مورد مرد مبتلا به سردمزاجی شد. در این استدلال، فقدان میل جنسی به عنوان ملاک اساسی مطرح است و عدم توانایی جماع نتیجه این فقدان می‌باشد. این رویکرد، با توجه به هدف شرع در حفظ حقوق زوجه و جلوگیری از ضرر به وی، قابل قبول است.



۳-۴. نقض حسن معاشرت و فسخ نکاح

معاشرت به معروف در آیه ۱۹ سوره نساء ﴿وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ﴾ مستلزم برقراری رابطه‌ای سالم و رضایت بخش میان زوجین است. بی توجهی به نیازهای جنسی همسر، به ویژه نیاز جنسی زنان، مصداق سوء معاشرت و نقض این فرمان الهی محسوب می‌شود. از دیدگاه روانشناسی، محرومیت جنسی می‌تواند آثار منفی عمیقی بر سلامت روان زن داشته باشد و به لحاظ روانی آسیب‌زا باشد. این امر با مفهوم «معاشرت به معروف» که بر ایجاد آرامش و رضایت متقابل در زندگی زناشویی تاکید دارد، مغایرت دارد. مطالعات گسترده‌ای نشان داده‌اند که سلامت جنسی جزئی جدایی‌ناپذیر از سلامت جسمی و روانی است و محرومیت از آن، عواقب منفی بر سلامت کلی زن خواهد داشت.

شیخ انصاری وجوب همبستری را از همین آیه استنباط می‌کند. (دزفولی، ۱۴۱۵، ص ۴۷۲) برخی این را فراتر از حداقل واجب تفسیر کرده و اجابت نیاز جنسی زن را نیز در چارچوب «معاشرت به معروف» وظیفه‌ی مرد می‌دانند. عدم تأمین نیاز جنسی همسر به‌گونه‌ای که منجر به عدم رضایت روانی، جسمی و عاطفی او شود، می‌تواند نشوز مرد به شمار آید.

این امر با تعریف تاج العروس از نشوز به‌عنوان ضرب و ظلم به زن (واسطی زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۸: ص ۱۵۹) و همچنین تعریف حائری تهرانی از معاشرت به معروف به‌عنوان ضرر نرساندن به همسر (حائری تهرانی، ۱۳۷۷، ج ۳: ص ۷۱) همسو است. بنابراین، عدم پاسخگویی به نیاز جنسی زن، نقض معاشرت به معروف، مصداق ظلم و ضرر به اوست و با توجه به اینکه زن تنها از طریق همسرش می‌تواند این نیاز را برطرف کند، این حق برای او ایجاد می‌شود که با استناد به قاعده‌ی «لا ضرر» نکاح را فسخ کند.

۴-۴. لا ضرر و حق فسخ نکاح

قاعده‌ی لاضرر و لا ضرار، از قواعد فقهی پرکاربرد و حاکم بر احکام اولیه است. (حسینی عاملی، ۱۴۱۹، ج ۱۹: ص ۶۸) که با هدف تسهیل بر بندگان و امتنان الهی تشریح



شده است (نجفی، ۱۳۵۹ق، ج ۱، ص ۲۳) و هر حکمی را که موجب ضرر شخصی شود، از مکلف برمی‌دارد. (نائینی، ۱۳۷۳، ج ۱: ص ۱۵۶) همچنین مقتضی اصل مذکور عدم جواز اضرار به غیر به خاطر دفع ضرری است که متوجه مضر می‌باشد.

این قاعده که از پشتوانه عقل، آیات و روایات برخوردار است (مشابه قاعده لاجرح)، ضرر شخصی و قابل اعتنا را نفی می‌کند، نه ضرر نوعی؛ به عبارت دیگر، حکم در صورت ایجاد ضرر برای فرد خاص، از او ساقط می‌شود، حتی اگر برای دیگران ضرری نداشته باشد میزان ضرر نیز نیازی به غیرقابل تحمل بودن ندارد، بلکه ضرری که از نظر عقلاً قابل اعتنا باشد، برای برداشتن حکم کفایت می‌کند. (قندهاری، ۱۴۲۴ق، ج ۱: ص ۱۵) در فرض مسئله، سرد مزاجی نوعی اضرار به غیر محسوب می‌شود که این نوع ضرر از ضررهایی است که در اسلام از آن نهی شده است.

محقق خویی (خویی، ۱۴۱۷ق، ج ۳: ۵۶۲) مفاد «لاضرر» را نفی ضرر در عالم تشریع می‌داند، به این معنا که هر حکم شرعی که موجب ضرر قابل اعتنایی شود، به اتفاق فقها با استناد به این قاعده رفع می‌شود. این نفی، مطابق با نفی مطلق «لا» در دیدگاه جزایری و طاهری است. بنابراین، «لا» در «لاضرر»، نفی قطعی و مطلق هرگونه حکم شرعی مضر در شرایط زمانی و مکانی خاص است (بهبهانی، ۱۴۲۶ق: ۱۸) این نفی مطلق، به منزله‌ی امتنان الهی برای مصونیت فرد از ضرر تلقی می‌شود (بجنوردی، ۱۴۰۱ق، ج ۱: ۲۶۶) در نتیجه، تفسیر نفی مطلق «لا» به عنوان نفی جنس، می‌تواند در فهم نفی مطلق ضرر در قاعده لاضرر نقش اساسی داشته باشد.

در باب تفسیر قاعده‌ی فقهی «لا ضرر و لا ضرار»، دیدگاه‌های متعددی وجود دارد. برخی محققین، همچون شیخ انصاری (دزفولی، بی تا، ج ۲، ۵۳۴)، این عبارت را بر نفی حکم ضرری حمل می‌کنند. اما گروه دیگری از فقها، از جمله آخوند خراسانی (خراسانی، ۱۴۰۹ق: ۳۸۲، صدر، ۱۴۲۰ق: ۱۶۹، و آملی، ۱۳۹۵ق: ۱۳۶)، آن را بر نفی حکم به لسان نفی موضوع حمل می‌کنند. در مقابل، برخی دیگر مانند شیخ الشریعه اصفهانی (اصفهانی، ۱۴۱۰ق: ۲۴) قاعده‌ی مذکور را بر نهی از ضرر حمل کرده و معتقدند که اراده از جمله خبریه‌ی «لا ضرر» نهی از ضرر است. علاوه بر این، دیدگاهی مشابه دیدگاه شیخ انصاری، اما با جزئیات بیشتر، از سوی محقق نائینی به



نقل از شهید صدر (صدر، ۱۴۲۰ق، ج ۵: ۴۵۹) ارائه شده که قاعده‌ی «لا ضرر» را بر نفی حکم ضرری حمل می‌کند، به این معنی که شارع حکیم هیچ‌گاه حکم ضرری جعل نمی‌کند. این تنوع در تفسیر، نشان‌دهنده پیچیدگی‌های موجود در فهم و کاربرد این قاعده‌ی فقهی مهم است.

مردم وقتی سراغ ازدواج می‌روند، سراغ همسری می‌روند که حدّ اقل وظایف همسری را می‌تواند انجام دهد؛ یعنی ظاهر حال و به زبان حال می‌گوید که این شخص قابل نکاح و آمیزش است و این شرط ارتکازی، شبیه شرایط مبنی علیه العقد است.

توضیح آنکه شرط، گاهی در متن عقد ذکر می‌شود و گاهی قبلاً راجع به آن گفتگو شده است (الشروط المبنی علیها العقد) ولی در هنگام خواندن صیغه آن شروط را ذکر نمی‌کنند و عقد را بر همان شروط سابق می‌خوانند و یا عرف آن را لازم می‌داند و در اجتماع مسلم است و لو در متن عقد و یا قبل از آن ذکر نشود که در اینجا هم خیار تخلف شرط وجود دارد؛ مثلاً وقتی دختری را تزویج می‌کنند شرط بکارت هست و لو نگویند و اگر تخلف شد، خیار تخلف شرط ثابت است. (شیرازی، ۱۴۲۴ هـ ق، ج ۵، ص: ۱۲۳)

در فقه اسلامی، برآوردن نیازهای جنسی زوجه توسط زوج، حقی مسلم برای وی محسوب می‌شود که در چارچوب نکاح مشروع و با رعایت شرط سلامت و عدم عیب در طرفین تحقق می‌یابد. سلامت جسمی و روانی، به عنوان شرط ضمنی و ارتکازی در تمامی معاملات، از جمله عقد نکاح، وجود دارد.

این عدم توانایی، اگر از ابتدای ازدواج باشد، علاوه بر نقض قاعده‌ی «لا ضرر»، موجب غبن در عقد نکاح نیز می‌شود. اما سرد مزاجی ای که بعدها بروز پیدا می‌کند را نمی‌توان غبن در عقد تلقی نمود. غرر مضر و مبطل موجب بطلان معامله می‌شود. چرا که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از بیع غرری نهی کرده‌اند (ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۷۸ق، ج ۲، ص ۴۶) البته این در صورتی است که مغبون علم به غبن نداشته باشد به همین خاطر فقها خیار عیب و غبن رامقید کرده‌اند به زمانی که مغبون جهل به غبن داشته باشد لذا در صورت علم، خیار ساقط می‌شود به خاطر اقدام بر



ضرر. دلیل خیار در غبن و عیب به خاطر نفی ضرر است. (حلی، ۱۴۱۵:ق: ۲۰۶) و بنای عقلا بر این است که اگر معامله‌ای بینشان صورت می‌گیرد سالم و صحیح باشد و مالیت اموالشان حفظ شود و این شرط ضمنی ارتكازی در هر معامله‌ای است که قابل تسامح نبوده و وقتی خلاف آن صورت گیرد به خاطر تخلف از شرط، خیار ثابت می‌گردد؛ لذا وقتی مغبون علم به غبن دارد و معامله غبنی را انجام می‌دهد این شرط ساقط می‌شود. (خویی، ۱۴۱۹، ج ۳:ص ۵۱۸)

از سوی دیگر خیار شرط به استناد روایات متعدّد و فتاوی‌ای مشهور فقها در باب نکاح جاری است و تأمین نیازهای جنسی زوجه به منزله‌ی شرط ارتكازی عقد نکاح می‌تواند موضوع خیار تخلف شرط محسوب شود.

بنابراین، از باب حرمت اضرار به غیر (زوجه) عدم انجام وظایف زناشویی جایز نیست و سردمزاجی زوج، به عنوان مانعی در انجام وظایف زناشویی و نقض شرط ضمنی سلامت بوده و موجب ضرر به زوجه و تخلف شرط در عقد نکاح خواهد بود.

۵. نتیجه‌گیری

نکاح، عقدی لازم است که تنها از طریق طلاق، فسخ یا فوت قابل انحلال است. فسخ نکاح به دلیل عیوب، بر مبنای قاعده «لاضرر» استوار است، چرا که اسلام هیچ ضرری را مشروع نمی‌داند. چه ضرر به خود باشد چه اضرار به غیر و هر دو نهی شده اند. عیوب مصرّحه در فقه، چه مختصّ زن، چه مختصّ مرد و چه مشترک، همگی مشمول این قاعده هستند و حق فسخ را برای طرف مقابل ایجاد می‌کنند. با توجه به ماهیت تمثیلی عیوب مصرّحه، این حکم به عیوب جدید و نامصرّح نیز قابل تسری است. قاعده‌ی «لاضرر»، به ویژه در مورد زنان، قوی‌ترین دلیل برای اثبات حق فسخ در عیوبی است که ملاک فسخ نفی ضرر بوده و زن، حق طلاق ندارد و راهی جز فسخ برای رهایی وجود ندارد. سردمزاجی به عنوان یک عیب جدید و شایع در مردان، می‌تواند برای همسر گرم‌مزاج، ضررهای قابل توجهی (از جمله احتمال ارتکاب زنا و عسر و حرج ناشی از آن) به همراه داشته باشد. که در حکم حرمت اضرار به غیر



قرار می‌گیرد و عقد نکاح با زوج سرد مزاج که از ابتدا دچار این مشکل بوده جزو معاملات غرری قرار می‌گیرد که در آن خیار فسخ ثابت است. دشواری اثبات این ضرر، مانع از اعمال قاعده «لاضرر» و حکم به فسخ نکاح نیست. لذا، با توجه به قاعده‌ی لاضرر و ماهیت تمثیلی عیوب مصرّح، سردمزاجی ابتدائی زوج به علت تخلف شرط می‌تواند مبنای فسخ نکاح قرار گیرد.

در مورد سرد مزاجی ثانویه هم باید گفت هرچند از باب تخلف شرط نمی‌توان حق فسخ را جاری دانست لکن از باب قاعده‌ی لاضرر، ادامه‌ی عقد نکاح، برای زوجه ضرری خواهد بود و به مفاد قاعده‌ی لاضرر بعید نیست که بتوان گفت حکم ادامه‌ی عقد نکاح از این زوج برداشته شده و می‌توان حکم به فسخ عقد نکاح کرد. البته قطعیت این حکم مستلزم بررسی‌های دقیق‌تر فقهی بوده و خارج از حوصله‌ی این نوشتار است.



فهرست منابع

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۷۸ ق)، عیون أخبار الرضا علیه السلام، (محقق / مصحح: لاجوردی، مهدی)، تهران، نشر جهان، اول
۲. اصفهانی (شیخ الشریعة)، فتح الله بن محمد جواد نمازی، (۱۴۱۰ هـ ق). قاعدة لا ضرر (لشیخ الشریعة). (یحیی ابوطالبی عراقی، محقق / مصحح)، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۳. آملی، میرزا هاشم، (۱۳۹۵ هـ ق). القواعد الفقهية والاجتهاد والتقليد (مجمع الافکار). قم: المطبعة العلمية.
۴. بجنوردی، سید محمد بن حسن موسوی، (۱۴۰۱ هـ ق). قواعد فقهیه، تهران: مؤسسه عروج، سوم.
۵. بجنوردی، سید حسن بن آقا بزرگ موسوی، (۱۴۱۹ هـ ق). القواعد الفقهية (للجنوردي، السيد حسن). (مهدی مهریزی - محمد حسن درایتی، محقق / مصحح)، قم: نشر الهادی.
۶. بغدادی، مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری، (۱۴۱۳ هـ ق). أحكام النساء (للشیخ المفید). قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید - رحمة الله علیه.
۷. بهبهانی، محمد باقر بن محمد اکمل، (۱۴۲۶ هـ ق). حاشیه الوافی. قم: مؤسسه العلامة المجدد الوحيد البهبهانی.
۸. حائری تهرانی میر سید علی، (۱۳۷۷ ش). مقتنیات الدرر و ملتقطات الثمر. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۹. حائری، سید علی بن محمد طباطبایی، (۱۴۱۸ هـ ق). ریاض المسائل (ط - الحدیث). (محمد بهره‌مند - محسن قدیری - کریم انصاری - علی مروارید، محقق / مصحح)، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
۱۰. حلّی، حسین، (۱۴۱۵ هـ ق). بحوث فقهیه (للحلی). قم: مؤسسه المنار.
۱۱. حلّی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، (۱۴۱۳ هـ ق). مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة. (گروه پژوهش دفتر انتشارات اسلامی، محقق و مصحح)، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۲. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ ق). وسائل الشیعة. (گروه پژوهش مؤسسه آل البيت عليهم السلام، محقق / مصحح)، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
۱۳. خراسانی، آخوند محمد کاظم بن حسین، (۱۴۰۹ هـ ق). قاعدة الضرر والاجتهاد والتقليد (كفاية الأصول). (گروه پژوهش مؤسسه آل البيت عليهم السلام، محقق / مصحح)، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
۱۴. خوئی، سید ابو القاسم موسوی، (۱۴۱۹ هـ ق). القواعد الفقهية والاجتهاد والتقليد (دراسات). قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت عليهم السلام.
۱۵. _____، (۱۴۱۷ هـ ق). القواعد الفقهية والاجتهاد والتقليد (الهداية في الاصول). قم: صاحب الامر علیه السلام.
۱۶. ذرفولی، مرتضی بن محمد امین انصاری، (۱۴۱۵ هـ ق). کتاب النکاح (للشیخ الأنصاري). (گروه پژوهش در کنگره، محقق / مصحح)، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.



۱۷. ----- بی تا. قاعدة لا ضرر و البید و الصحة و القرعة (فرائد الأصول). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۸. زنجانی، سید موسی شبیری، (۱۴۱۹ ه.ق). کتاب نکاح (زنجانی). مؤسسه پژوهشی رای پرداز، محقق/ مصحح، قم: مؤسسه پژوهشی رای پرداز.
۱۹. سبزواری، سید عبد الاعلی، (۱۴۱۳ ه.ق). مهذب الأحکام (للسبزواری). (موسسه المنار، محقق/ مصحح)، قم: مؤسسه المنار - دفتر حضرت آیه الله.
۲۰. شیرازی، ناصر مکارم، (۱۴۲۴ ه.ق). کتاب النکاح (مکارم). (محمد رضا حامدی- مسعود مکارم، محقق/ مصحح)، قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۲۱. صدر، شهید، سید محمد باقر، (۱۴۲۰ ه.ق). قاعده «لا ضرر و لا ضرار». قم: دار الصادقین للطباعة و النشر.
۲۲. طرابلسی، ابن براج، قاضی عبد العزیز، (۱۴۰۶ ه.ق). المهذب. (جمعی از محققین و مصححین تحت إشراف شیخ جعفر سبحانی، محقق/ مصحح)، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۳. طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، (۱۴۰۷ ه.ق). تهذیب الأحکام. تهران: دار الکتب الإسلامية.
۲۴. عاملی، سید جواد بن محمد حسینی، (۱۴۱۹ ه.ق). مفتاح الکرامة فی شرح قواعد العلامة (ط - الحدیث). (محمد باقر خالصی، محقق/ مصحح)، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۵. عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، (۱۴۱۳ ه.ق). مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام. (گروه پژوهش موسسه معارف اسلامی، محقق/ مصحح)، قم: مؤسسه المعارف الإسلامية.
۲۶. کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ه.ق). الکافی (ط - الإسلامية)، دار الکتب الإسلامية، تهران - ایران، چهارم.
۲۷. فیومی، احمد بن محمد مقرئ، بی تا. المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی. قم: منشورات دار الرضی.
۲۸. قمی، صدوق، محمد بن علی بن بابویه، (۱۴۱۳ ه.ق). من لا یحضره الفقیه. (علی اکبر غفاری، محقق/ مصحح)، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۹. قندهاری، محمد آصف محسنی، (۱۴۲۴ ه.ق). الفقه و مسائل طبية. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۳۰. مرعشی نجفی، سید شهاب الدین، (۱۴۰۶ ه.ق). منهاج المؤمنین. (سید عادل علوی، گردآورنده محقق/ مصحح)، قم: انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی - ره.
۳۱. مراغی، سید میر عبد الفتاح بن علی حسینی، (۱۴۱۷ ه.ق). العناوین الفقهیة. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۲. نائینی، میرزا محمد حسین غروی، (۱۳۷۳ ه.ق). منیة الطالب فی حاشیة المکاسب. تهران: المكتبة المحمدية.



۳۳. نجفی، صاحب الجواهر، محمد حسن، (۱۴۰۴ ه.ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. (عباس قوجانی - علی آخوندی، محقق / مصحح)، بیروت - لبنان: دار إحياء التراث العربي.
۳۴. نجفی، کاشف الغطاء، محمد حسین بن علی بن محمد رضا، (۱۳۵۹ ه.ق). تحریر المجله. نجف اشرف - عراق: المكتبة المرتضوية.
۳۵. واسطی، زبیدی، حنفی، محب‌الدین، سید محمد مرتضی حسینی، (۱۴۱۴ ه.ق). تاج العروس من جواهر القاموس. (علی شیری، محقق / مصحح)، بیروت - لبنان: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع.
۳۶. هدایت نیا، فرج‌الله، (۱۳۹۹). اختلال جنسی و حقوق خانواده. سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۳۷. یزدی، سید محمد کاظم طباطبایی، (۱۴۱۹ ه.ق). العروه الوثقی (المحشی). (احمد محسن سبزواری، محقق / مصحح)، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۸. یزدی، سید مصطفی محقق داماد، (۱۴۰۶ ه.ق)، قواعد فقه (محقق داماد)، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران - ایران، دوازدهم.
۳۹. گل‌داری، هنگامه، ۱۳۹۱ ه.ش، مطالعه پدیدار شناختی تجارب جنسی در زنان مبتلا به اختلال میل جنسی کم‌کار، دانشگاه تبریز، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.

منابع اینترنتی:

۱. <https://www.paziresh24.com/blog/14620> آخرین به روز رسانی: ۱۴۰۰-۱۲-۲۳، مجله سلامتی پذیرش، (سلامت جنسی / درمان سرد مزاجی در مردان و علت سرد مزاجی ناگهانی).
۲. https://fa.wikipedia.org/wiki/اختلال_کم‌میلی_جنسی (از ویکی‌پدیا، دانشنامه آزاد) «اختلال کم‌میلی جنسی» [روانشناسی] هم‌ارز «hypoactive sexual desire disorder»: منبع: گروه واژه‌گزینی. جواد میرشکاری، ویراستار. دفتر نهم. فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان. تهران: انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی. شابک ۹۶۴-۹۷۸-۷۵۳۱-۱۸-۴ (ذیل سرواژه اختلال کم‌میلی جنسی) «نسخه آرشیو شده». بایگانی شده از اصلی در ۲۳ فوریه ۲۰۱۱. دریافت شده در ۱۳ ژوئن ۲۰۱۶).
۳. <https://doctoreto.com/blog/reasons-of-loss-of-libido> نویسنده: تحریریه مجله دکتر تو، پزشک تاییدکننده: دکتر پریسا یزدان شناس (اختلال سرد مزاجی مردان)
۴. <https://doctoreto.com/blog/frigidity-in-men> سیاست انتشار مطالب بروزسانی: ۱۴۰۳/۰۵/۲۴ (نویسنده: محسن مسعودی فر - | تأیید شده توسط: دکتر ابوالفضل کشاورزی)
۵. <https://ravandarman.com/blog> آخرین بروز رسانی ۲۱ اسفند ۱۴۰۳، ملیحه میرزایی، (اختلال بی میلی جنسی، علت ایجاد و بهترین روش‌های درمان)